

Typology of Tiles in the UNESCO World Heritage Site of Takht-e Suleyman

Negar Kafilli^{1*}, Fatemeh Alimirzaei², Samia Garakhani³

1. Assistant Professor, Department of Islamic Art, Iran University of Art, Tehran.
2. PhD Technician for the Pottery and Ceramic Workshop, Research Center for Conservation of Cultural Relics (RCCCR), Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran.
3. M.A in the field of archaeology.

Abstract

The protection of historical monuments has two aspects: one that considers the material features, and the other that considers its spiritual, artistic, historical, and aesthetic values. Therefore, the introduction, documentation and recording various historical works, as a part of the conservation and restoration process, not only promote the understanding and recognition of the values of art and culture, but also aid in their protection and revive. This research aims to address this protective need by introducing the collection of tiles of from the UNESCO World Heritage site of Takht-e Soleiman, as one of the valuable collections of Iranian art, known for its antiquity and diversity. To achieve this goal, a descriptive and analytical method was employed along with the examination and collection of field documentation and library studies. As a result of this study, over 5400 tiles were identified, including all kinds of exquisite luster tiles in diverse shapes and patterns, azure, turquoise, gilded tiles with embossed patterns, geometric tiles, samples of monochromatic tiles, and some brick tiles.

Keywords: Ilkhanid, Takht-e Suleiman, World Heritage, Conservation, Typology, Tile.



**Knowledge of
Conservation and
Restoration**

Vol. 5(3) No.13
December 2022

<https://kcr.richt.ir>

Pages: 29 to 46

Corresponding Author

Negar Kafilli

Assistant Professor,
Department of Islamic Art,
Iran University of Art, Tehran

Email

negar.kafili@art.ac.ir

گونه‌شناسی کاشی‌های محوطه میراث جهانی تخت سلیمان

نگار کفیلی^{۱*}، فاطمه علیمیرزایی^۲، سمیه قراخانی^۳

۱. استادیار گروه هنر اسلامی، دانشگاه هنر ایران، تهران.

۲. دکترای حفاظت و مرمت آثار و کارشناس پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی.



فصلنامه دانش حفاظت و مرمت

سال پنجم، شماره ۳

شماره پیاپی ۱۳، پاییز ۱۴۰۱

<https://kcr.richt.ir>

صفحات: ۲۹ تا ۴۶

نویسنده مسئول

نگار کفیلی

استادیار گروه هنر اسلامی، دانشگاه هنر

ایران، تهران

رایانامه

negar.kafili@art.ac.ir

چکیده

حفاظت از آثار تاریخی دو وجه دارد، وجهی که بعد مادی اثر را مدنظر قرار می‌دهد و وجهی که ارزش‌های معنوی، هنری، تاریخی و زیبایی‌شناسی آنها را لحاظ می‌کند. بنابراین، معرفی، مستندسازی و ثبت آثار مختلف تاریخی به‌عنوان بخشی از فرایند حفاظت و مرمت، علاوه بر اینکه با نقش ترویجی که در فراهم کردن درک و شناخت از ارزش‌های هنر و فرهنگ برعهده دارد و موجب حفاظت و کمک به احیاء آنها نیز می‌شود. در این پژوهش تلاش شده است که با معرفی مجموعه کاشی‌های پایگاه میراث جهانی تخت سلیمان به‌عنوان یکی از مجموعه‌های ارزشمند هنر ایرانی که از قدمت و تنوع بالایی برخوردار است، این نیاز حفاظتی را پوشش داده شود. برای دنبال کردن این هدف از روش توصیفی و تحلیلی، و بررسی و گردآوری مستندات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای بهره گرفته شد. در نتیجه این مطالعه بیش از ۵۴۰۰ کاشی شامل انواع کاشی‌های نفیس زرین‌فام در اشکال و نقوش متنوع، کاشی لاجوردی، فیروزه‌ای، طلاچسبان با نقوش برجسته، کاشی‌های هندسی، نمونه‌های کاشی‌های تک‌رنگ و برخی آجر کاشی‌ها شناسایی شد.

واژگان کلیدی: ایلخانی، میراث جهانی، تخت سلیمان، حفاظت، گونه‌شناسی، کاشی.

مقدمه

ساسانی تجربه کرده است. در این دوران به سبب وجود آتشکده آذرگشنسب، مورد احترام ایرانیان زرتشتی بوده و نقش تعیین کننده‌ای در حیات سیاسی - اجتماعی حکومت مذکور داشته است. بعد از حکومت ساسانیان این منطقه رونق خود را از دست می‌دهد، تا اینکه در دوره ایلخانی و زمان حکومت آباقاخان (۶۷۳ هجری)، با ایجاد بناهای جدیدی از جمله کاخ و سایر بناهای ارزشمند در این مکان، مدتی به عنوان پایتخت تابستانی و تفرجگاه مغولان مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در این محوطه که بقایایی از معماری دوره ساسانی و ایلخانی خودنمایی می‌کند، کاوش‌های مختلفی انجام شده است که یافته‌های حاصل از آن شامل انواع کاشی، ظروف سفالی و شیشه‌ای و موارد دیگر در اختیار پایگاه است. به همین سبب نویسندگان این مقاله بر آن شدند تا با معرفی تنوع گونه‌های کاشی مکشوفه از این محوطه، ضمن آشنا کردن پژوهشگران حوزه سفال و سرامیک با ویژگی‌های این هنر در دوره ایلخانی، توانمندی فنی و ارزش‌های فرهنگی و هنری گوشه شمال غربی ایران در این دوره را معرفی و حفاظت کنند. این محوطه از سال ۱۳۱۶ که به عنوان پایگاه میراثی ثبت جهانی شد، بیش از پیش مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت.

طبق بررسی‌های صورت گرفته، از کاوش‌های کاخ آباقاخان جز نمونه‌های موزه‌ای کامل که تعدادشان محدود است، حدود ۵۴۰۰ قطعه کاشی به دست آمده است که انواع گوناگونی را در بر می‌گیرد. از آنجا که تاکنون گزارشی از تنوع آثار سفالین این مجموعه منتشر نشده است، تلاش شد تا مبتنی بر تنوع گونه‌های کاشی رایج در تزئین بناها در دوره مغول، آثار مربوط به این دوره تاریخی در تخت سلیمان به صورت آمار و تصویری معرفی شود. قطعاً زمینه‌های پژوهشی گسترده‌ای در حوزه مطالعات فنی و نقوش این آثار مطرح است که انتشار این اطلاعات موجب تمرکز بیشتر پژوهشگران علاقمند به این حوزه خواهد شد. در این بررسی به دنبال آن بودیم که بدانیم، چند نوع کاشی با چه تنوع طرحی و رنگی در یافته‌های این مجموعه وجود دارد؛ و هنر کاشی‌کاری به لحاظ فنی در

از اواسط قرن هجدهم از گونه‌شناسی به عنوان رویکردی برای شناخت و دسته‌بندی آثار مختلف معماری و یافته‌های باستان‌شناسی بهره گرفته شده است. چرا که گونه‌شناسی رویکردی کارآمد برای شناخت دقیق و نظام‌مند پدیده‌هاست و در نتیجه فهم بهتری از روابط پنهان میان آنها ایجاد می‌کند. گونه‌شناسی، وجوه مختلفی از ویژگی‌های مادی و معنوی یک پدیده را بسته به ماهیت، می‌تواند مورد توجه قرار دهد. از منظر علوم مختلف و بسته به سؤالات مطرح در مورد پدیده مورد نظر، گونه‌شناسی می‌تواند کارکردهای مختلفی داشته باشد. در علم حفاظت و مرمت آثار تاریخی، قدم اول در حفاظت از هر پدیده‌ای (اثر تاریخی) همواره حفظ اصالت و ویژگی‌های کالبدی آن است. به همین منظور حفاظت‌گران در اولین و مهمترین گام، تلاش می‌کنند با شناسایی، دسته‌بندی و معرفی ویژگی‌های یک اثر تاریخی، ضمن حفظ اصالت اثر، بیشترین و کامل‌ترین اطلاعات را در مورد آن به آیندگان منتقل کنند.

در دوره‌های مختلف تاریخی با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع، از آرایه‌های مختلفی برای تزئین آثار معماری بهره گرفته شده است. انواع کاشی‌ها از آرایه‌های متنوعی هستند که در بسیاری از دوره‌ها تا به امروز رواج داشته‌اند. کاشی‌ها به سبب مقاومت خوبی که در برابر عوامل محیطی دارند، با شکل‌ها و رنگ‌های مختلف هم در داخل و هم در خارج از بناها به کار گرفته می‌شوند. از دلایلی که کاشی‌ها از قرون گذشته به دست ما رسیده‌اند و فرصت شناخت گونه‌های مختلف رایج در دوره‌های تاریخی مختلف فراهم شده است هم، همین موضوع است. کاشی‌ها به عنوان یک پدیده مادی در بردارنده وجوه فرهنگی، اجتماعی و غیره، می‌توانند هم از بعد کالبدی و هم بعد ارزشی گونه‌شناسی و دسته‌بندی شوند.

از جمله محوطه‌هایی که تنوع بالایی از این عنصر تزئینی را در اختیار ما قرار می‌دهد، محوطه میراث جهانی تخت سلیمان است. محوطه تخت سلیمان در شمال غرب کشور، اوج شکوه و آبادانی خود را در دوره

منتشر کرده‌اند. کاربونی و آدمجی (۲۰۰۳) در کتاب "Takht-i Sulaiman and Tilework in the Ilkhanid Period" اطلاعاتی پیرامون نمونه‌های کامل سفال زرین‌فام تخت سلیمان در موزه متروپولیتن ارائه می‌دهند.

همان‌طور که اشاره شد، در ارتباط با سفالینه‌های این محوطه تاریخی، مطالعات اختصاصی کمی صورت گرفته است؛ جز چند مورد که به‌صورت اختصاصی کاشی‌های زرین‌فام را مورد بررسی قرار داده‌اند. فریده طالب‌پور (۱۳۸۷)، در مقاله "بررسی نقوش کاشی‌های کاخ آباقاخان در تخت سلیمان" به بررسی اجمالی تصاویر و نوشته‌های روی کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان پرداخته و با تمرکز بر تأثیرپذیری نقوش این کاشی‌ها از نقش‌مایه‌های چینی، به این نتیجه رسیده است که مغولان ارتباطات تنگاتنگ تجاری، سیاسی و اقتصادی با کشور چین داشته‌اند. زهره کامران‌آزاد (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "بازتاب گفتمان عصر ایلخانی بر کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان"، به بحث در مورد زیرساخت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر در تولید سفال‌های زرین‌فام تخت سلیمان می‌پردازد. شکرپور و همکاران (۱۳۹۲) نیز، در مقاله "بازتاب رهیافت‌های فرهنگی و اجتماعی عصر ایلخانی بر کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان"، سفال زرین‌فام را در پارادایم جهانی بررسی می‌کنند و ادعان می‌دارند، این فرصت تاریخی تازه‌ای برای جهانی کردن هنر کاشی‌کاری ایران است. از این رو می‌توان گفت که در مجموع، پژوهش‌های انجام‌شده به‌صورت مستقیم ارتباطی با موضوع پژوهش حاضر ندارند و اغلب ذیل دو محور مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی مرتبط با محوطه تخت سلیمان و کاشی‌های به دست آمده از کاوش‌های این منطقه دنبال شده‌اند.

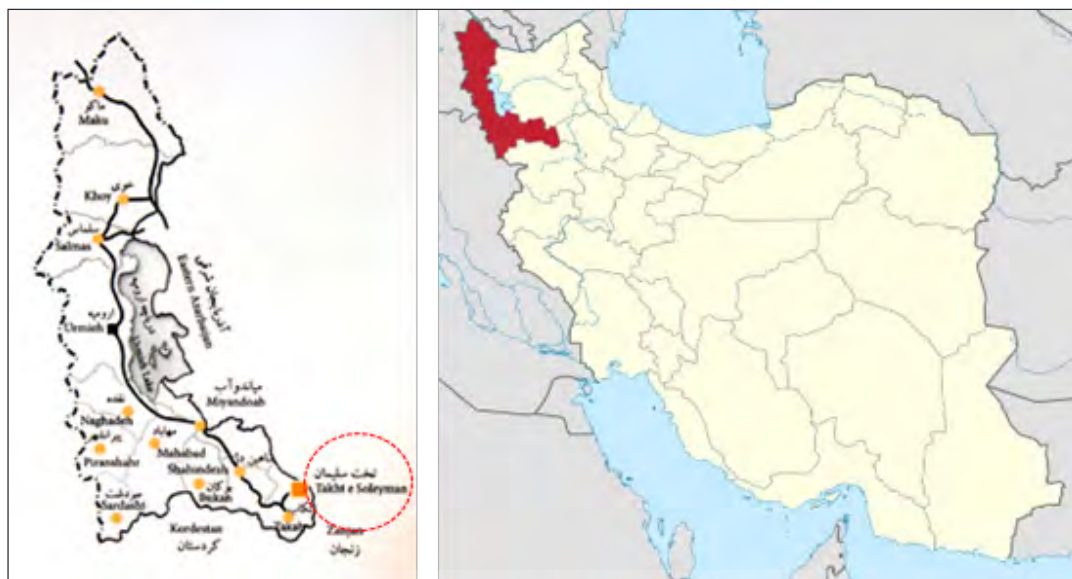
موقعیت جغرافیایی و تاریخی تخت سلیمان

تخت سلیمان امروزه به‌عنوان محوطه‌ای تاریخی شناخته می‌شود که در مسیر بیجار به شاهین‌دژ و در حدود ۳۰ کیلومتری شمال‌شرق تکاب در جنوب شرقی استان آذربایجان غربی و در ۳۰/۴۵ درجه طول

چه جایگاهی قرار داشته است. برای پاسخ به این پرسش‌ها، از روش مستندنگای تصویری و آماری در کنار مطالعات کتابخانه‌ای بهره گرفته شد.

مرور پیشینه

محوطه تخت سلیمان به‌عنوان پایگاه میراث جهانی می‌تواند زمینه پژوهش‌های گسترده‌ای برای متخصصان علوم مختلف مرتبط با آثار سفالی باشد. زیرا هم قبل از اسلام در دوره ساسانی، و هم پس از آن در دوره ایلخانی، مرکز سیاسی و فرهنگی شمال‌غرب ایران بوده است؛ و از مراکز مهم دارای مجموعه‌های متنوع و ارزشمند از کاشی‌هاست، که نقش مهمی در تاریخ سفال ایران برعهده دارد. اما بررسی مکتوبات و پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که متأسفانه، علی‌رغم وجود ویژگی‌ها و زمینه‌های پژوهشی در این محوطه، و نیز اهمیت سفالینه‌های آن در فرهنگ جهان اسلام و خصوصاً ایران، کمتر پژوهشی به‌صورت ویژه و متمرکز در این حوزه انجام شده است؛ و اغلب پژوهش‌های موجود، متمرکز بر توصیف کلی جغرافیای تاریخی و مستندات باستان‌شناختی است؛ به طوری که پژوهشگرانی چون هوف (۲۰۰۲)، توموکو (۱۹۹۷)، سرفراز (۱۳۴۷)، امان‌اللهی (۱۳۹۴)، و خاکزاد (۱۳۸۷) همگی به معرفی پیشینه تاریخی و جغرافیای فرهنگی تخت سلیمان پرداخته‌اند؛ ناومان (۱۳۷۴) در کتاب "ویرانه‌های تخت سلیمان و زندان سلیمان" که حاوی یافته‌های کاوش‌های تخت سلیمان تا سال ۱۹۷۰ است، اطلاعات جامعی از آثار معماری دوره اسلامی و پیش از اسلام ارائه می‌دهد، و نمونه‌های کوره‌های پخت سفال، و سفالینه‌های زرین‌فام یافت شده از این محوطه را معرفی می‌کند. علاوه بر آن، یوسف مرادی (۱۳۸۳)، در "گزارش چهارمین فصل از دور سوم کاوش‌های باستان‌شناسی تخت سلیمان" اطلاعاتی پیرامون اکتشافات جدید معماری، و محل کوره‌های پخت سفال در داخل محدوده ارائه می‌دهد. کامورف و کاربونی (۲۰۱۹)، ضمن پرداختن به وقایع تاریخی و سیاسی ایلخانان، آثار هنری این دوره تاریخی را نیز بررسی می‌کنند و اطلاعاتی در خصوص سفال زرین‌فام و نمونه‌های متعلق به این مجموعه در موزه‌های جهان، با ارائه مستندات تصویری و مطالعات تطبیقی



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی تخت سلیمان (خاکزاد، ۱۳۸۷).

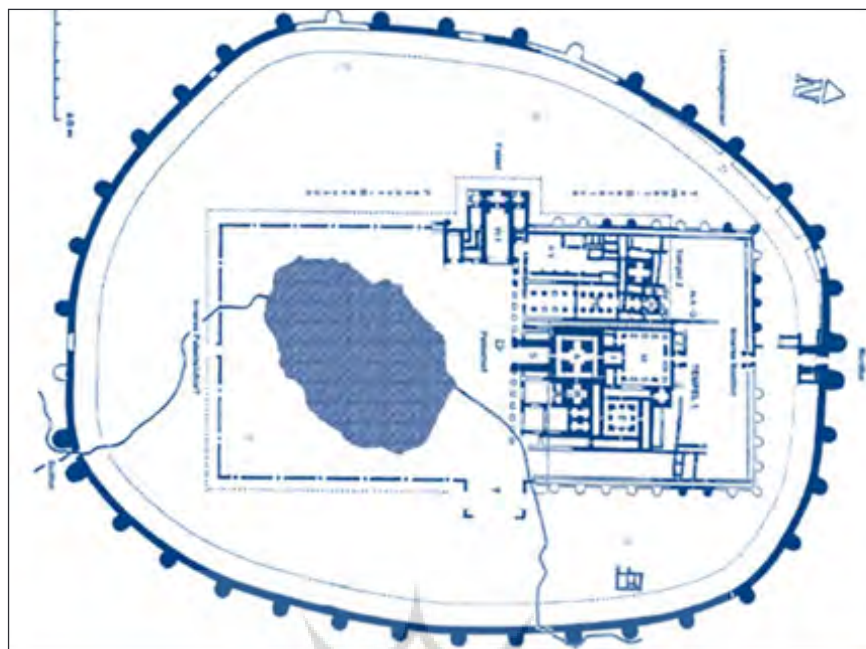
می‌داند. تخت سلیمان که در آثار متقدمین با نام شیز و گنجک معرفی شده، به اعتقاد باستان‌شناسان منطبق است بر موقعیت آتشکدهٔ آذرگشنسپ^۱. کشف گل مهری حاوی نام این آتشکده بر صحت این فرضیه شهادت می‌دهد. همچنین اشاره به وجود دریاچه آب گرم در متون دینی فارسی میانه، یادآور ارتباط آذرگشنسب با دریاچه تخت سلیمان است (Huff, 2002). مجموعه‌ای از نیایشگاه‌ها و اقامتگاه‌های سلطنتی در دورهٔ ساسانی احداث و حصار پیرامونی تخت سلیمان با بهره‌گیری از مصالح سنگ استوار شد (شکل ۳).

تخت سلیمان پس از حمله اعراب، از گنزک به شیز تغییر نام داد. از وضعیت شیز در سه سده نخستین اسلامی آگاهی چندانی در دست نیست. کاوش‌های باستان‌شناسان در محوطه تاریخی تخت سلیمان نشان می‌دهد که تا سده ۴ ه.ق، تراکم خانه‌ها در اراضی پیرامونی آتشکده به حدی افزایش یافته بود که دیگر امکانی برای نگهداری آتش نبوده است (هوف، ۱۳۶۸)

این محوطه در دوره ایلخانی "ستوریق، سفوریق، سقوریق، ستروق" نام گرفت، و به‌نظر می‌رسد نام تخت سلیمان پس از دوره ایلخانی، یعنی پس از قرن هفتم، معمول شده باشد. مستوفی تنها مورخی است که تخت سلیمان را با نام "ستوریق" یا "سقورلیق" که

جغرافیایی و ۴۰/۳۶ درجه عرض جغرافیایی قرار دارد (خاکزاد، ۱۳۸۷) (شکل ۲و۱).

کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه تاریخی تخت سلیمان نشان می‌دهد که این منطقه از میانه‌های هزاره نخست ق.م، یعنی روزگار هخامنشیان زیستگاه آدمیان بوده است و بنابر علی نامعلوم یک‌باره رها شده و ده‌ها سال خالی از سکنه باقی مانده است، اما در دوره اشکانیان بار دیگر مردمانی در آن اقامت کرده‌اند (هوف، ۱۳۶۸، ص ۲). از سویی دیگر شواهد و قرائنی در دست است که تخت سلیمان، همان گنجک دوره باستان یا شیز دوره اسلامی است که از شهرهای مهم روزگار اشکانیان در آذربایجان به‌شمار می‌رفته است (Huff, 2002). ساخت‌وساز ساسانیان در تخت سلیمان با احداث بناهایی خشتی در مجموعه آغاز شد. وجود سکه‌هایی از پیروز ساسانی (۴۵۷-۴۸۴ م) و تئودوسیوس دوم (۴۰۸-۴۵۰ م) گویای آغاز حضور ساسانیان در تخت سلیمان است (Ibid). برخی منابع شهر ساسانی "گنزک" را به این محل منتسب کرده‌اند که مورد تردید است (اشمیت، ۱۳۷۶). جغرافی‌دانان و مورخان اسلامی تخت سلیمان را شیز^۲ (گنزک=گنجک) معرفی کرده‌اند (جکسن، ۱۳۸۸). جکسن واژه شیز را برگرفته از واژه اوستایی چیچست^۳



شکل ۳. پلان تأسیسات ساسانی تخت سلیمان و ایوان خسرو، (آرشیو پایگاه پژوهشی تخت سلیمان).

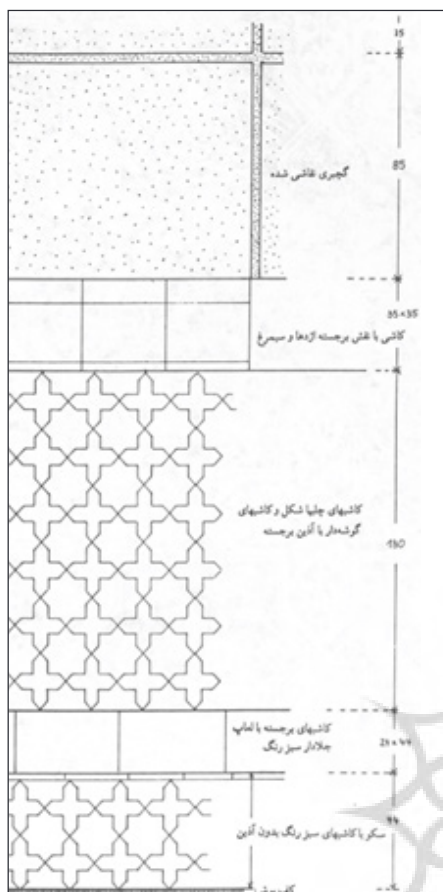
هلاکوخان از حکمرانان ایلخانی، تعدادی از هنرمندان چینی را در ایران سکونت داد؛ و روابط بازرگانی بین ایران و چین که از دوران باستان وجود داشت، در این دوران رونق بیشتری یافت. به طوری که هر دو طرف در انواع زمینه‌های هنری از یکدیگر تأثیر پذیرفتند و به نوعی از یکدیگر تقلید می‌کردند (طالب‌پور، ۱۳۸۸). در این دوران که هنر کاشی‌کاری در ادامه پیشرفت‌های این هنر در دوران سلجوقی و خوارزمشاهی پیشرفت کرده بود، تنها فن نقاشی روی لعاب به‌عنوان فن جدید کاشی‌کاری وارد صنعت سفال‌سازی ایران شد. کاشان، سلطان‌آباد، سلطانیه، ساوه و نیشابور به مراکز عمده سفال‌سازی ایلخانان مغول بودند (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۰). تنوع و رونق کاشی‌کاری در این دوره و مصادیق تأثیرپذیری این هنر از هنر چین را می‌توان در نقوش کاشی‌های تخت سلیمان مشاهده کرد. به نظر می‌رسد این کاشی‌ها حداکثر تنوع ممکن از کاشی‌های رایج در دوره ایلخانی در ایران را در برمی‌گیرند.

انواع کاشی‌هایی که از کاوش‌های محوطه تخت سلیمان به دست آمده است مربوط به دوره اوج شکوه

مغولان آنجا را بدین نام می‌شناختند، یاد می‌کند (مستوفی، ۱۳۳۶). در زمان آباقاخان، این محوطه به‌عنوان پایتخت بیلاقی مورد استفاده قرار گرفت و مجدداً فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در آن آغاز شد. معماری این منطقه با ساختن کاخ شکار به دستور آباقاخان بر روی ویرانه‌های آتشکده شکل گرفت.

کاشی‌کاری ایران در دوره ایلخانی

در بدو ورود مغولان به ایران، تا مدتی فعالیت‌های هنری با رکود مواجه شد. با روی آوردن حکمرانان ایلخانی به اسلام، احداث بناهای مذهبی و غیرمذهبی با تزئینات آجری و کاشی‌کاری تحت حمایت آنها توسعه یافت؛ و در نتیجه ایجاد بناهای مختلف یادبود و غیره در شهرهای ایران مزین به کاشی‌کاری‌های متنوع، این هنر - صنعت احیاء شد. تا قبل از این دوران، فقط سطوح خارجی بناها با کاشی‌تزیین می‌شد؛ اما از این دوره به بعد، از کاشی‌ها برای آراستن فضاهای داخلی بناها نیز استفاده شد (شکل ۳.۱). از نمونه‌های شاخص بناهای مزین به هنر کاشی‌کاری در این دوره می‌توان به مسجد جامع فرومد و گنبد سلطانیه اشاره کرد (کیانی، ۱۳۶۱).



گاهی آلیاژ طلا بوده است. نوع این آلیاژها به‌طور سنتی در ایران، ترکیب طلا با مس، طلا با نقره و یا ترکیب با هر دو را شامل می‌شده است (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۶).

کاشی‌های شش‌ضلعی زرانود، اتاق هشت‌گوش تالاری را که ظاهراً اقامتگاه اصلی بوده و یکی از خصوصی‌ترین اتاق‌ها به‌شمار می‌آمده است، آذین بسته بودند. نمونه‌های این کاشی‌ها در کنار ایوان غربی یافت شده‌اند (ناومان، ۱۳۶۸). در دیوار بیرون تالار و مشخصاً در پشت محل جلوس شاهزاده، کاشی‌های زرانودی با نقش اژدها و سیمرغ در رنگ‌های متناوب آبی و فیروزه‌ای نصب بوده است (شکل ۴). در دیوارهای داخل تالار که در مقابل دید شاه بوده است، صحنه‌هایی از شکار قرار داشته، که هر صحنه به وسیله شش قطعه کاشی زرانود به نمایش گذاشته شده بودند (ناومان، ۱۳۶۸).

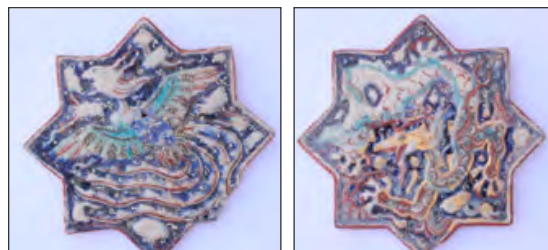
اتاق هشت‌گوش شمالی با کاشی‌های ستاره‌ای و عموماً با رنگ زمینه لاجوردی آراسته شده بودند. این کاشی‌های ستاره‌ای، نقش مایه‌های حیواناتی چون سیمرغ و اژدها و کاشی‌های چلیپایی نقوش گیاهی داشتند (همان) (شکل ۵).



شکل ۴. کاشی شش‌ضلعی زرانود تالار میانی با نقش سیمرغ (ناومان، ۱۳۸۲).



شکل ۶. طرحی از تزئینات دیوار در اتاق هشت‌گوش شمالی (نومان، ۱۳۸۲).



شکل ۵. کاشی ستاره‌ای با زمینه لاجوردی، زرانود اتاق هشت‌گوش شمالی، با نقش سیمرغ و اژدها.

جدول ۱. معرفی انواع کاشی‌های زراندود.

ردیف	نوع	تصویر نمونه‌ها	شکل بیسکوییت و تزئینات	تعداد
۱	تکرنگ لاجوردی		نقوش: گیاهی گل لوتوس، حیوانی، سیمرغ، اژدها، چهارپا و کتیبه	۱۹۷
			شکل: شش ضلعی، چلیپا و چهارگوش بزرگ ابعاد	
۲	تکرنگ فیروزه‌ای		نقوش: برجسته گیاهی و حیوانی از جمله شیر و گوزن، سیمرغ و اژدها و خطوط تزئین به رنگ قهوه‌ای و سیاه	۱۴۰
			شکل: هشت‌پر و شش ضلعی و چلیپا و ابعاد بزرگ چهارگوش	
۳	زمینه فیروزه‌ای با نقوش لاجوردی		نقوش: برجسته به رنگ لاجوردی و در مواردی سفید، گیاهی، گل لوتوس، حیوانی، سیمرغ و اژدها، ابرهای چینی منقوش و خطوط تزئین به رنگ قهوه‌ای	۱۰۴
			شکل: هشت‌پر، چلیپا و چهارگوش بزرگ ابعاد	
۴	زمینه لاجوردی با نقوش فیروزه‌ای و سفید		نقوش: برجسته به رنگ فیروزه‌ای و در مواردی سفید، گیاهی گل لوتوس و سیمرغ و اژدها	۷۳
			شکل: هشت‌پر و چلیپا	
۵	سفید		نقوش: برجسته گیاهی و خطوط تزئین به رنگ قهوه‌ای و سیاه	۱۴
			شکل: ابعاد بزرگ چندضلعی	

کاشی خشتی

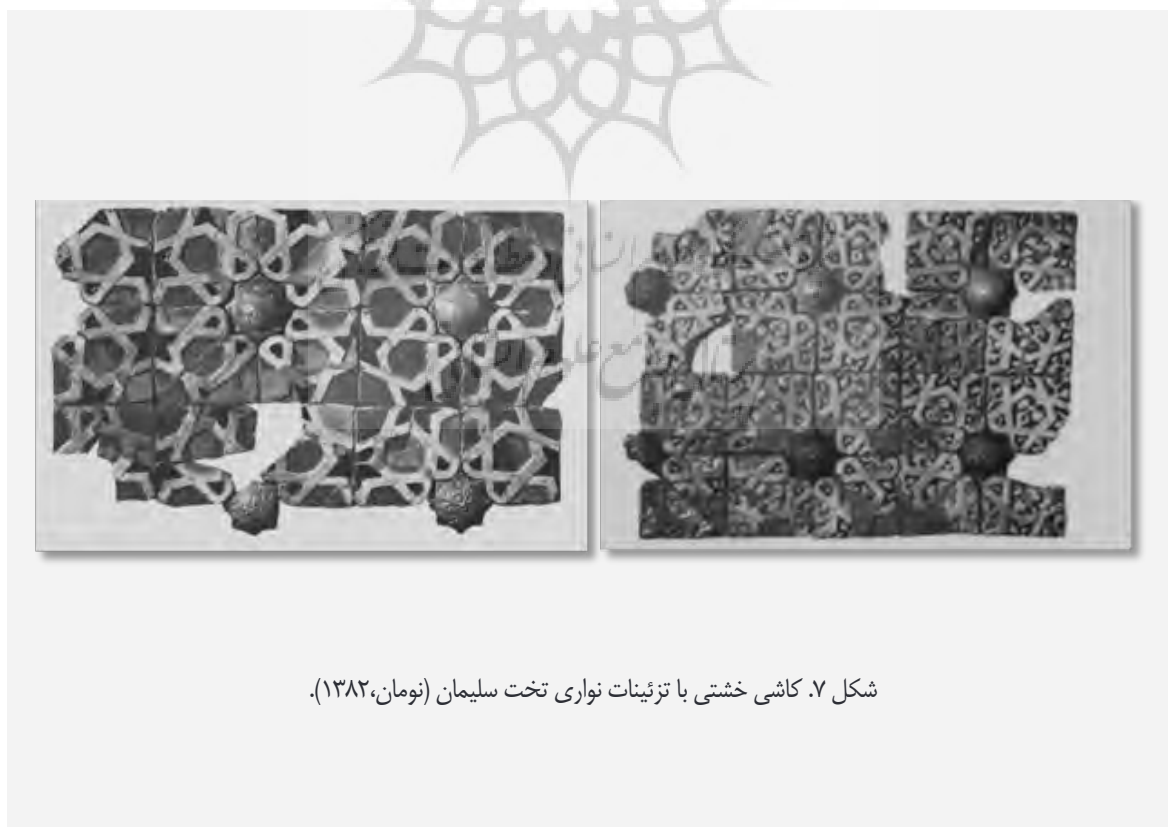
معمولی تولید و پخته می‌شد، سپس طرح‌هایی بر روی آن ایجاد می‌شد، داخل طرح‌های ایجاد شده با لعاب پر شده و برای پخت مجدد به کوره می‌رفت. در کاشی‌های خشتی از دو لعاب فیروزه‌ای و لاجوردی به دو شکل ساده و مزین با نقوش گیاهی، استفاده شده است.

کاشی‌های خشتی در چهار نوع قابل طبقه‌بندی هستند:

- کاشی خشتی مستطیلی با نقوش گیاهی با لعاب فیروزه‌ای و لاجوردی و بدون لعاب؛
- کاشی خشتی شش‌ضلعی با نقش سیمرغ و منقش به کلمه علی با لعاب زمینه فیروزه‌ای
- کاشی خشتی چلیپایی منقش به نقوش گیاهی اسلیمی با لعاب فیروزه‌ای و بدون لعاب؛ و
- کاشی خشتی مثلثی با نقوش اسلیمی هندسی و گیاهی، با مرکزیت نقش چهره یک زن (خورشید) به‌صورت برجسته

این کاشی‌ها که به دو نوع نواری (با طرح پیوسته) و بدون نوار (با طرح منفک) تقسیم می‌شوند، اغلب به شکل مربع و در مواردی شش‌ضلعی هستند. قطر این کاشی‌ها در حدود ۲۰ سانتیمتر، طول هر ضلع در کاشی‌های مربعی ۱۴٫۵ سانتیمتر و کاشی‌های شش‌ضلعی ۱۰ سانتی‌متر است. در وسط چهار کاشی مربع‌شکل، یک کاشی قبه‌ای فیروزه‌ای قرار می‌گرفته است. در یک گوشه از کاشی‌های مربعی، بریدگی‌هایی به شکل یک پرّه و دو نیم‌پرّه وجود دارد که قبه را در میان خود جای می‌داده است. این ساختار که به‌منظور ثابت شدن کاشی قبه‌ای در میان آنها ایجاد شده است، با کاشی قبه‌ای در مرکز، شکل هشت‌پر و دوازده‌پر پیدا می‌کرده است (شکل ۷). از این نوع کاشی، ۹۵۲ قطعه در مجموعه تخت سلیمان یافت شده است (نومان، ۱۳۸۲).

این نوع کاشی در دو مرحله ساخته می‌شد؛ ابتدا کاشی



شکل ۷. کاشی خشتی با تزئینات نواری تخت سلیمان (نومان، ۱۳۸۲).

جدول ۲. معرفی کاشی‌های خشتی تخت سلیمان.

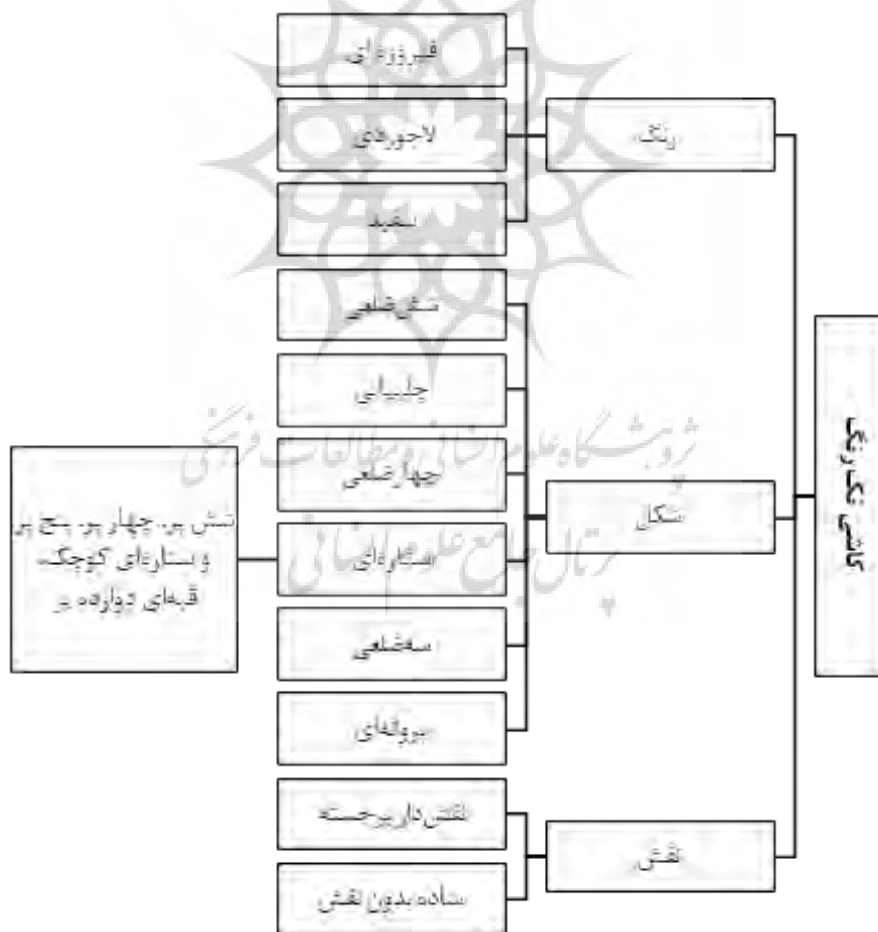
ردیف	انواع کاشی‌های خشتی	تصویر	نرئیانات	تعداد
۹۵۲	نواری		دارای دو رنگ فیروزه‌ای و لاجوردی با تزئین هندسی چندضلعی و نقش گیاهی. اندازه ۱۸*۲۰ سانتیمتر	۹۵۲
			دارای دو رنگ فیروزه‌ای و لاجوردی با تزئین هندسی چندضلعی و اندازه ۱۲*۲۰ سانتیمتر	
۲۳۸	بدون نوار		نقوش گیاهی اسلیمی به صورت لعاب‌دار به رنگ فیروزه‌ای و لاجوردی و بدون لعاب	۲۳۸
			با نقش سیمرغ و منقش به کلمه علی با رنگ زمینه فیروزه‌ای	
			با نقوش گیاهی اسلیمی و ختایی به صورت لعاب‌دار فیروزه‌ای و بدون لعاب	
			نقوش هندسی و گیاهی اسلیمی با مرکزیت نقش چهره یک زن به صورت برجسته خورشید	

کاشی تک‌رنگ

در قرون میانه اسلامی، سرامیک‌های مینایی به‌دلیل تنوع رنگی فراوان‌شان در مدت کوتاهی به‌صورت گسترده در ایران و هند در سایر کشورها رواج پیدا کردند. از ویژگی‌های بارز آنها داشتن زمینه‌ای از لعاب‌های رنگی سفید آبی و لاجوردی با کیفیت و استحکام خوب بوده است. این لعاب‌ها یا به‌صورت تک‌رنگ، و یا بسان بوم برای نقاشان به‌کار می‌رفته است.

از دیدگاه پوپ و سایر پژوهشگران، ساخت و تولید این لعاب‌ها در مراکزی چون کاشان، ساوه، ری، نطنز، جرجان و تخت سلیمان رایج بوده است (پوپ، ۱۳۸۷؛ Masuya 2002). در تخت سلیمان ۱۳۳۰ قطعه کاشی

از این نوع یافت شده است (شکل ۸). این کاشی‌ها به رنگ‌های فیروزه‌ای، لاجوردی و سفید هستند. در میان نمونه‌های موجود، بیشتر نمونه‌ها به‌رنگ فیروزه‌ای هستند. تقریباً اغلب این نوع کاشی‌ها ساده هستند و در موارد معدودی با نقوش گیاهی و حیوانی و هندسی به شیوه برجسته تزئین شده‌اند. این کاشی‌ها اغلب به‌شکل چلیپایی، شش‌ضلعی، مثلثی، پروانه‌ای و ستاره‌ای هستند. از این میان، کاشی‌های ستاره‌ای دارای انواع شش‌پر، چهارپر، پنج‌پر و ستاره‌ای کوچک دوازده‌پر هستند. کاشی‌های قبه‌ای به‌شکل شمسه، با قطر ۱۱.۲ سانتیمتر، به شکل دوازده‌پر و هشت‌پر هستند. این کاشی‌ها نیز به دو صورت ساده بدون نقش و منقوش با نقوش گیاهی برجسته تقسیم می‌شوند.



شکل ۸. نمودار انواع کاشی تک‌رنگ تخت سلیمان.

به‌مرور زمان حالت نیمه مات به خود گرفته‌اند. در جدول پایین نمونه‌هایی از کاشی‌های تکرنگ ارائه شده است (شکل ۱۱).

تزئینات این کاشی‌ها علی‌رغم سایر نمونه‌ها فقط برجسته بوده و از زیر لعاب‌های پوششی که همچون روکشی رنگی است، نمایان هستند. این لعاب‌ها

جدول ۳. معرفی انواع کاشی تکرنگ تخت سلیمان.

شکل		رنگ			انواع کاشی تکرنگ
چهارضلعی لوزی	شش‌ضلعی	سفید	لاجوردی	فیروزه‌ای	
					تصویر
ساده بدون نقش	ساده بدون نقش	ساده بدون نقش	ساده بدون نقش	ساده بدون نقش	نقش و تزئین
شکل					
پروانه‌ای	ستاره‌ای شش‌پر، چهار پر، پنج‌پر و ستاره‌ای کوچک، قبه‌ای دوازده‌پر	چلیپایی	سه‌ضلعی		انواع کاشی تکرنگ
 	  	 	 		تصویر
نقوش برجسته گیاهی اسلیمی، نقوش برجسته حیوانی	ساده بدون نقش، نقوش برجسته گیاهی اسلیمی، نقوش برجسته حیوانی	ساده بدون نقش	ساده بدون نقش	ساده بدون نقش	نقش و تزئین

کاشی‌های موزائیکی و قالبی

این کاشی‌ها، به صورت ترکیبی از دو کاشی تکرنگ فیروزه‌ای و لاجوردی، با دو شکل لوزی و پروانه‌ای

برای تزئین بناها استفاده می‌شدند. این کاشی‌ها در شکل قالبی، به صورت مرصع داخل قالب‌های گچی قرار می‌گرفتند، و در شکل موزائیکی به صورت منظم و با فاصله کنار هم نصب می‌شدند (شکل ۹).



شکل ۹. کاشی‌های موزائیکی و قالبی تخت سلیمان.

را می‌توان به سه نوع عمده ستاره‌ای یا کوکبی، چلیپایی و چهارگوش و پیش‌بر یا خشتی تقسیم کرد.

کاشی زرین فام ستاره‌ای

کاشی‌های هشت‌پر، هریک نقشی مستقل و حاشیه‌ای در محیط دارند. براساس نوع تزئینی که این حاشیه‌ها را مزین کرده است، به سه نوع حاشیه‌دار با کتیبه، حاشیه‌دار با نقوش کنگره‌ای و حاشیه‌دار ساده تقسیم می‌شوند (شکل ۱۰). نمونه‌های کتیبه‌دار نیز خود به دو نوع تقسیم می‌شوند: کتیبه‌های گرم-سفید روی

کاشی با تزئین زرین فام

مهم‌ترین و معروف‌ترین کاشی‌های تخت سلیمان، کاشی‌های زرین فام هستند. این کاشی‌ها در حدود قرون ۵ تا ۸ هجری قمری بسیار رواج داشته‌اند. در سراسر تاریخ سفالگری، از میان همه شیوه‌هایی که برای تزئین سفال و کاشی به کار می‌رفته است، کاشی زرین فام نوعی کاشی تجملی بوده که عموماً به تزئینات داخلی بناها اختصاص داشته است. کاشی‌های زرین فام به دست آمده از تخت سلیمان



شکل ۱۰. نمودار معرفی انواع کاشی زرین فام تخت سلیمان.

جدول ۴. معرفی انواع کاشی زرین‌فام ستاره‌ای تخت سلیمان.

ردیف	انواع کاشی زرین فام ستاره‌ای	تصویر	توضیحات	تعداد
۱	حاشیه کتیبه‌دار		حاشیه زمینه لاجوردی	۳۳۳
			حاشیه زمینه سفید	
۲	حاشیه کنگره‌دار		حاشیه زمینه زرین‌فام	۱۲۰
۳	حاشیه با تزئینات هندسی دایره		حاشیه زمینه سفید	۱
۳	حاشیه ساده		حاشیه لاجوردی	۳۲

کاشی زرین فام چلیپایی

این نوع از کاشی زرین‌فام با شکل چلیپایی در کنار کاشی‌های با شکل هشت‌پر به کار می‌رفته‌اند. آنها که اغلب متعلق به اتاق هشتی جنوبی هستند، اکثراً با نقوش گیاهی و حیوانی منقوش شده‌اند. در ترسیم نقوش این کاشی‌ها علاوه بر جلای فلزی رولعابی‌های تزئینی به رنگ‌های زیتونی تا قهوه‌ای و قرمز مسی، از رنگ‌های لاجوردی و فیروزه‌ای نیز استفاده شده است. از این نوع کاشی ۱۷۱ قطعه در مجموعه تخت سلیمان شناسایی شده است. طول کلی این کاشی‌ها

زمینه لاجوردی، و کتیبه‌هایی که با لایقه زرین‌فام بر روی زمینه سفید-کرم نگاشته شده‌اند. این کاشی‌ها بعضاً در مرکز دارای نقوش گیاهی، حیوانی، انسانی و هندسی هستند. کتیبه‌نگاری کاشی‌های زرین‌فام اغلب با خط نسخ اجرا شده است (جدول ۴).

هر ضلع این کاشی‌ها ۴.۵، طول کل کاشی ۲۱ و قطر آن ۱.۳ تا ۱.۵ سانتیمتر است. از کاشی‌های ستاره‌ای سالم و شکسته شمارش شده متعلق به تخت‌سلیمان ۳۳۳ قطعه دارای حاشیه کتیبه‌دار، ۱۲۰ قطعه با حاشیه کنگره‌دار و ۳۲ قطعه دارای حاشیه ساده هستند.



شکل ۱۱. نمونه‌هایی از کاشی‌های چلیپایی تخت سلیمان.

شکل ۱۲. کاشی پیش‌بر زرین‌فام با قرنیز تحتانی، تخت سلیمان، محل نگهداری موزه مجموعه جهانی تخت سلیمان.

برگ‌ها تزئین شده‌اند. برجستگی‌های این کاشی‌ها توسط قالب‌های مجزا تکثیر و به زمینه خشتی الحاق شده است. یک مورد از این قالب‌ها که در اختیار پایگاه میراث جهانی تخت سلیمان است، در شکل ۱۳ به تصویر کشیده شده است.



شکل ۱۳. قالب سر اسب مربوط به ایجاد زمینه برجسته بر روی کاشی‌های خشتی.

حدود ۲۱، ضخامت آنها ۱.۳ و عرض هر یک از چهارشاخه چلیپا ۶ سانتیمتر است.

کاشی زرین‌فام چهار گوش

این کاشی‌ها که کاشی کتیبه یا افریز نیز نامیده می‌شوند، برای قرارگیری در بالای قاب‌های تزئینی کاشی‌های ازاره که دورتادور دیواره‌های داخلی بنا کشیده شده‌اند، طراحی و در اتاق‌های هشتی جنوبی و هشتی شمالی و بالای کاشی‌های شمسه چلیپا نصب شده بوده‌اند (ناومان، ۱۳۸۲). کاشی‌های چهار گوش که در ابعاد بزرگ ساخته شده بودند، به کاشی زرین‌فام پیش‌بر یا خشتی هم معروف‌اند. این کاشی‌ها به شکل مربع یا مستطیل عموماً در ابعاد $۳۰*۳۰$ و $۳۰*۴۰$ سانتیمتر ساخته می‌شوند و معمولاً قرنیز فوقانی و یا تحتانی برجسته‌ای با طرح و کتیبه‌ای قالب‌گیری شده، در یک زمینه اصلی دارند (شکل ۱۲).

نقش زمینه این کاشی‌ها برجسته است و با نقوشی شامل اسب، سیمرغ، اژدها، فیل، انسان در حال شکار (اکثراً سوار بر اسب)، خرگوش، غزال، حیوانی شبیه گراز، و نقوش گیاهی شامل گل‌های نیلوفر و انواع

پدیده‌ای از این دوره دست پیدا می‌کنیم، که نماینده حجم عظیمی از آثار از دست‌رفته آن زمان است. این مجموعه، به حق یکی از متنوع‌ترین مجموعه‌های سفال تاریخی ایران، دربردارنده نمونه‌هایی با تنوع ظاهری زیاد شامل انواع کاشی‌های نفیس زرین‌فام در اشکال و نقوش متنوع، کاشی لاجوردی و فیروزه‌ای و طلاچسبان با نقوش برجسته، کاشی‌های هندسی و نمونه‌های کاشی‌های تکرنگ و کاشی خشتی نواری‌مانند، کاشی خشتی بدون‌نوار، کاشی لاجوردی، کاشی فیروزه‌ای، کاشی هندسی با تزئینات نواری است. با اطلاعاتی که از گونه‌شناسی آنها ثبت شد، می‌توان به فهم تاریخی و هنری درخوری در زمینه سفال‌گری ایران در دوره ایلخانی رسید. با بررسی این نمونه‌ها اهمیت و اولویت استفاده از کاشی‌ها، در تزئینات بنا بسیار مشهود است، و می‌توان با تعمق در تنوع گونه‌ها، به چیره‌دستی و مهارت سفالگران ایلخانی در ساخت و تولید و تزئین این نمونه‌ها رسید.

سپاسگزاری

بدینوسیله از جناب آقایان مطلوبی و خیری، مسئولین دلسوز و همراه پایگاه میراث جهانی تخت سلیمان به‌سبب همراهی و پشتیبانی همه‌جانبه‌شان از این پژوهش قدردانی می‌نمایم.

حامیان مادی و معنوی

در این پژوهش، پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری و اداره کل موزه‌ها حامی و پشتیبان نگارندگان این مقاله بوده‌اند.

پی‌نوشت

1. Ganzak
2. Shiz حموی، یاقوت، معجم‌البلدان، ذیل شیز Shiz.
3. نام اوستایی دریاچه ارومیه.
4. آذرگشنسب در مقام یکی از آتش‌های بهرام در عصر ساسانی به‌عنوان یکی از سه آتش اصلی ایرانیان شناخته می‌شد که متعلق به طبقه جنگاوران و پادشاهان بود.



شکل ۱۴. انواع کاشی‌های چهارگوش پیش‌بر تخت سلیمان.

تعداد ۱۱۷ قطعه کاشی زرین‌فام چهارگوش با نقش برجسته در نمونه‌های آماری این پژوهش، مستندنگاری شده‌اند که همه این قطعات شکسته هستند و مفقودی دارند. قطر این کاشی‌ها بیشتر از انواع مختلف کاشی‌های دیگر و حدود ۲ تا ۲.۷ سانتیمتر است. تنوع نقوش آنها به‌قدری زیاد است که به نظر می‌رسد از هر نقش تعداد محدود و حتی منحصر‌بفردی ساخته شده است. همچنان که در شکل ۱۴ مشاهده می‌شود، کاشی‌هایی منسوب به این مجموعه وجود دارند که با طرح ازدها، ابرهای چینی و گل‌های صدف‌برگ و به سبک چینی و متفاوت با شیوه ایرانی تزئین شده‌اند.

نتیجه‌گیری

گونه، در اصل نماینده یک مجموعه گسترده است که در طول زمان دچار تحولات مختلفی شده و در مسیر رشد و گسترش خود، به زنجیره‌ای تکاملی از یک پدیده خاص رسیده است. با مطالعه گونه‌شناسانه کاشی‌های یافت‌شده از محوطه تخت سلیمان، به‌عنوان مجموعه ارزشمندی که بیش از ۱۰۰۰ سال مورد استفاده قرار گرفته و در دوره ایلخانی به اوج شکوفایی خود رسیده، به شناسایی و معرفی نفایس شاخصی از هنر کاشی‌کاری ایران در جایگاه

منابع

- یزدانی، ملیکا؛ احمدی، حسین؛ امین‌امامی، سیدمحمد؛ لامعی‌رشتی، محمد؛ آقاعلی‌گل، داود؛ عبدالله‌خان‌گرچی، مهناز؛ و چوبک، حمیده. (۱۳۹۶)، شناخت فنون ساخت و اجرای لایه زراندود در سفال مینایی، براساس مطالعات میکروسکوپی و منابع کهن، ح نشریه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۱۴۰ (۷)، ۱۶۱-۱۷۸.
- یزدانی، ملیکا؛ امین‌امامی، سیدمحمد؛ احمدی، حسین؛ لامعی‌رشتی، محمد؛ عبدالله‌خان‌گرچی، مهناز؛ و آقاعلی‌گل، داود. (۱۳۹۶)، مطالعه شیوه ساخت و اجرای تزئینات برجسته و زراندود در سفال مینایی دوران میانی اسلامی در ایران. هنرهای صناعی ایران، ۱۰(۱)، ۵-۲۰.
- Huff, Dietrich. (2002). TA-T-E SOLAYM-N. Encyclopaedia Iranica.
- Results. In Beyond the Legacy of Genghis Khan (pp. 94-110). Brill.
- اشمیت، اربش فردریش. (۱۳۷۶). پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران. مترجم آرمان شیشه‌گر. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- پوپ، آرتور آپهام. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز (جلد چهارم). مترجم نجف دریابندری. تهران: علمی و فرهنگی.
- جکسن، آبراهام‌والنتاین‌ویلیامز. (۱۳۸۸). سفرنامه، ایران در گذشته و حال. مترجمان منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای. تهران: علمی و فرهنگی.
- خاکزاد، محمدرضا. (۱۳۹۲). شیز تخت سلیمان مجموعه آتشکده آذر گننسب. تهران: مهندسی مشاور پایاب طرح.
- سرفراز، علی‌اکبر؛ کیانی، محمد یوسف. (۱۳۴۷). تخت سلیمان. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران
- طالب‌پور، فریده. (۱۳۸۷). بررسی نقوش کاشی‌های کاخ آباق‌خان در تخت سلیمان. نگره، ۲(۸-۹)، ۱۹-۳۰.
- کاشانی، عبدالله‌بن‌علی. (۱۳۸۶). عرایس الجواهر و نفایس الاطایب. تهران: المعی.
- کامران‌آزاد، زهره. (۱۳۹۱). بازتاب گفتمان عصر ایلخانی بر کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه هنر اسلامی تبریز، دانشکده هنر.
- مرادی، یوسف. (۱۳۸۳). گزارش چهارمین فصل از دور سوم کاوش‌های باستان‌شناسی تخت سلیمان. پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۳۶). نزهه القلوب. تهران: طهوری.
- ناومان، رودلف. (۱۳۸۲). ویرانه‌های تخت سلیمان و زندان سلیمان. مترجم فرامرز. نجدسمعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هوف، دیتریش. (۱۳۶۸). تخت سلیمان. در محمد یوسف. کیانی: شهرهای ایران. مترجم فرامرز نجدسمعی. تهران: جهاد دانشگاهی.